



مدیریت حوزه علمیه استان قم
رساله علمی سطح ۳

عنوان رساله

**نقد و بررسی ترجمه مشتقات باب استفعال
در نامه‌های نهج البلاغه (ترجمه آیتی و فیض الاسلام)**

راهنما: استاد حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمطلب فریدی‌فر

مشاور: استاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عشائی‌منفرد

محقق: مرتضی نعیمی‌راد

سال ۱۳۹۷

الله
الرحمن الرحيم

تقدیم به

دختر افضل انبیاء الهی، ام‌الائمہ حضرت زہرا (سلام‌الله‌علیہا) کہ شناخت او قرین معرفت به شب قدر بوده و تنها او بود کہ می‌توانست مصدری برای انوار ائمہ اطہار (علیہم‌السلام) باشد و از خداوند متعال طلب می‌نمایم کہ رضایت ایشان قرین لحظہ‌ها و عمل حقیر و طالبین مسیر عبودیت باشد.

تقدیر و سپاس

از پدر و مادرم و اساتید محترم خصوصاً استاد مرحوم حضرت آیت الله شیخ عبدالرحیم عباسی (رحمة الله علیه) که زمینه‌های رشد و تربیتم را فراهم نمودند تا به عنوان سربازی در دامان مکتب اهل بیت باشم و همسرم که در طول این کار با صبوری و دلسوزی همراه مسیرم بوده کمال تشکر را دارم که در طول این تحقیق مرا همراهی نمودند تا اینکه توانستم بضاعت مزجات خویش را در قالب این اثر ارائه دهم همچنین از همراهی‌های دلسوزانه استاد راهنما حجت الاسلام عبدالمطلب فریدی‌فر و کمک‌های شایان استاد مشاور حجت الاسلام محمد عشائری منفرد کمال تشکر و سپاس را دارم.

چکیده

نهج البلاغه در میان کتاب‌های معارفی تشیع از جایگاه خاصی برخوردار است و همین امر سبب گشته که آثار مربوط به آن نیز از جایگاه به خصوصی برخوردار شوند، از همین روی کاملاً ضروری است که نوع پردازش به ترجمه‌های این کتاب شریف به گونه‌ای تخصصی صورت پذیرد تا از آسیب‌ها در این باب ممانعت به عمل آید. بررسی و نقد دو ترجمه مرحوم آیتی و فیض الاسلام در همین راستا بوده و بیان نقاط قوت و ضعف در این دو ترجمه در خصوص هیأت استفعالی موجب شکوفایی بیش از پیش ترجمه متون دینی خواهد شد. روش نویسندگان بهره‌گیری از منابع مربوط بدین جهت بوده تا زوایای بیشتری از این مقوله اساسی روشن گردد و نگاهی جامع‌الاطراف به مخاطب ارائه گردد. در این تحقیق، هم به نقاط قوت و هم به لغزشهای دو ترجمه منتخب در مشتقات باب استفعال از حیث لغوی و صرفی پرداخته شد و نیز از حیث جایگاه نحوی مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته مانند استفتح در فرازی از نامه ۳۱ «فَمَتَى شَتَّ اسْتَفْتَحَتْ بِالِدُعَاءِ أَبْوَابِ نِعْمَتِهِ» که به معنی طلب گشایش بوده و مرحوم آیتی در ترجمه خود بیان نموده: هر زمان که بخواهی درهای نعمتش را به دعا بگشایی و مرحوم فیض الاسلام گفته است: پس هرگاه بخواهی به سبب دعا درهای نعمتش را بگشایی که هر دو ترجمه موافق معنای حقیقی این کلمه است. و یا در تشخیص فعل متکلم مع‌الغیر دچار اشتباه شده و جناب آیتی که آن را ترجمه نکرده و جناب فیض الاسلام به صورت متکلم وحده ترجمه کرده اند؛ مانند اسْتَفْتَحَتْ در فرازی از نامه ۶۰ «وَالْتَعَرُّضُ لَهُمْ فِيمَا اسْتَفْتَحَتْ مِنْهُمْ» که جناب فیض الاسلام بیان نموده: بی‌خردانتان را از تعرض به ایشان در آنچه اجازه دادم، منع کنید که ترجمه‌ای مخالف با معنای حقیقی است. در این تحقیق مخاطب بدین حقیقت رهنمون می‌گردد که ترجمه‌های نهج البلاغه در طرازهای گوناگونی قرار داشته و هر یک مشتمل بر نقاط قوت و نقاط ضعفی می‌باشند. ترجمه فیض الاسلام و آیتی هرگاه به اصول ادبی و اصول حاکم بر ترجمه به خوبی وقوف یافته‌اند، توازن‌سته‌اند به خوبی مراد امام علیه‌السلام را به مخاطب انتقال دهند و هرگاه از آن اصول غفلت ورزیدند به خطای در ترجمه افتادند.

واژگان کلیدی: استفعال، طلب، ترجمه آیتی، ترجمه فیض الاسلام، مشتقات، ساختار، نهج البلاغه.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	بخش اول:
۲	کلیات و مفاهیم
۳	فصل اول: کلیات
۳	الف) بیان مسأله
۵	ب) اهمیت و ضرورت موضوع
۶	ج) سؤالات تحقیق
۶	سؤال اصلی
۶	سؤالات فرعی
۶	د) فرضیه تحقیق
۷	ه) پیشینه تحقیق
۷	ر) اهداف و فوائد تحقیق
۸	ز) روش تحقیق
۹	فصل دوم: مفاهیم
۹	گفتار اول: ترجمه و مسائل آن
۹	الف) تَرْجَمَه در لغت
۱۰	ب) تَرْجَمَه در اصطلاح دانش ترجمه
۱۱	ج) انواع ترجمه
۱۱	۱- ترجمه واژه به واژه یا تحت‌اللفظی
۱۲	۲- ترجمه دقیق و روان
۱۳	۳- ترجمه ادبی
۱۴	۴- ترجمه آزاد
۱۵	۵- ترجمه استاندارد
۱۵	گفتار دوم: اصول ترجمه
۱۵	۱- آشنایی با موضوع مورد ترجمه

۱۶	۲- آشنایی با اصطلاحات زبان مبدأ و مقصد
۱۶	۳- مراعات نگارش دستوری زبان مقصد
۱۶	۴- مراعات امانت و پرهیز از هرگونه دخل و تصرف
۱۷	۵- استفاده از لغت‌نامه مناسب و پرهیز از اعتماد بر حافظه
۱۹	۶- دقت در ترجمه دیباچه یا عنوان کتاب
۱۹	۷- توجه به شخصیت، سن و جنسیت گوینده در ترجمه
۱۹	۸- پرهیز از تعدد مترادفات در ترجمه
۲۰	۹- پرهیز از حذف جملات متن اصلی به هر دلیل
۲۰	۱۰- استفاده از واژگان مأنوس در ترجمه
۲۱	۱۱- انس و آلفت داشتن با نویسنده و فضای حاکم
۲۱	۱۲- پرهیز از تأثیر قهری دستور زبان مبدأ بر زبان ترجمه
۲۲	۱۳- پرهیز از تعصب به فارسی‌نویسی و پرهیز از عربی‌زدایی
۲۲	۱۴- پرهیز از ترجمه به زبان غیر فصیح
۲۳	۱۵- مراجعه به ترجمه با فواصل زمانی
۲۳	۱۶- منعکس کردن روح و احساس در ترجمه
۲۳	گفتار سوم: معانی باب استفعال و مشتقات آن
۲۳	الف) افعال ثلاثی مزید
۲۴	ب) مشتقات باب استفعال
۲۴	ج) معانی باب استفعال
۲۷	گفتار چهارم: معرفی نهج البلاغه
۲۸	ج) ابواب نهج البلاغه
۲۹	گفتار پنجم: روش‌های نقد در قرآن و نهج البلاغه
۲۹	معنای نقد در لغت و اصطلاح
۳۱	گفتار ششم: روش ترجمه نهج البلاغه آیتی و فیض الاسلام
۳۱	الف) روش ترجمه آیتی
۳۱	ب) روش ترجمه فیض الاسلام
۳۲	جمع بندی فصل دوم
۳۳	بخش دوم: بررسی دو ترجمه منتخب در مشتقات باب استفعال
۳۴	فصل اول: برجستگی‌ها و نقاط قوت دو ترجمه منتخب از حیث کلمه
۳۴	کلمه اول: اِسْتَعْتَابُهُ
۳۶	کلمه دوم: وَ اِسْتَعْنِ

- ۳۷ کلمه سوم: لَا يَشْتَأْنُفُ
- ۳۸ کلمه چهارم: وَ أَمَا اشْتَوَاؤُنَا
- ۳۹ کلمه پنجم: وَإِنْ اشْتَطَعْتُمْ
- ۴۰ کلمه ششم: اشْتَشْهَدُوا
- ۴۱ کلمه هفتم: وَ اشْتَكَّفَهُ
- ۴۳ کلمه هشتم: وَقَدْ يَسْتَفِيدُ
- ۴۴ کلمه نهم: تَسْتَبَعِدُ
- ۴۵ کلمه دهم: لِيَسْتَقْبِلَ
- ۴۶ کلمه یازدهم: وَ اشْتَبَانَ لَكَ
- ۴۷ کلمه دوازدهم: فَاسْتَخْلَصْتُ
- ۴۸ کلمه سیزدهم: لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِرَّ
- ۴۹ کلمه چهاردهم: اشْتَفْتَحَتْ
- ۵۰ کلمه پانزدهم: فَلَا تَسْتَهِنِ
- ۵۱ کلمه شانزدهم: يَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُدْرِ
- ۵۲ کلمه هفدهم: وَ لَا يَسْتَمِيلُهُ
- ۵۳ کلمه هجدهم: وَ الْإِسْتِثْنَاءَ
- ۵۴ کلمه نوزدهم: وَ اسْتَضْلِحَ
- ۵۶ جمع بندی فصل اول

فصل دوم: لغزش‌های دو ترجمه منتخب از حیث کلمه ۵۸

- ۵۸ گفتار اول: بی توجهی به معنای ماده منتخب در ترجمه
- ۵۸ کلمه اول: مُشْتَرَعِي
- ۶۰ کلمه دوم: مَا اشْتَبَدْتُ
- ۶۱ کلمه سوم: لَا اشْتَحَدْتُ نَبِيًّا
- ۶۳ کلمه چهارم: وَ لَكِنْ اشْتَلَمُوا
- ۶۴ کلمه پنجم: فَاسْتَفَعَدَهُ
- ۶۵ کلمه ششم: اشْتَعَبَار
- ۶۷ کلمه هفتم: لَمْ تَسْتَقِيمُوا لِي
- ۶۸ کلمه هشتم: إِذَا اشْتَوْصَحَتْ

- گفتار دوم: تأثیر بی‌توجهی به معانی باب استفعال در ترجمه کلمه منتخب ۶۸
- کلمه اول: غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ ۶۹
- کلمه دوم: استخراج الحقوق ۷۰
- کلمه سوم: مُسْتَظْهِراً بِهِ ۷۲
- کلمه چهارم: مُسْتَعْتَبٌ ۷۳
- کلمه پنجم: بَابِ الْإِسْتِعْتَابِ ۷۳
- کلمه ششم: الْمُسْتَنْصَحُ ۷۴
- کلمه هفتم: اسْتِظْأَاءٌ ۷۵
- کلمه هشتم: أَسْتَظْهِرُ بِهِ ۷۶
- کلمه نهم: فَتَسْتَدْلِينِي ۷۸
- کلمه دهم: أَسْتَنْبِي فِيهَا ۸۰
- کلمه یازدهم: اسْتِضْلَاحُ أَنْفُسِهِمْ ۸۱
- جمع بندی فصل دوم ۸۲

فصل سوم: لغزش‌های دو ترجمه منتخب از حیث معنای ساختار صرفی ۸۳

- گفتار اول: تأثیر بی‌توجهی به شناخت مصدر و ترجمه آن از عربی به فارسی ۸۳
- کلمه اول: اسْتِعْبَارٌ ۸۴
- کلمه دوم: اسْتِظْأَاءٌ ۸۴
- گفتار دوم: تأثیر خلط بین أفعال و بی‌توجهی به آنها در انتقال مفاهیم ۸۶
- کلمه اول: لَا يَسْتَأْنِفُ ۸۶
- کلمه دوم: تَسْتَبِعِدُ ۸۶
- کلمه سوم: وَ اسْتَكْشَفْتُهُ ۸۷
- کلمه چهارم: وَ اسْتَعْتَبْتُهُ ۸۸
- کلمه پنجم: أَسْتَظْهِرُ بِهِ ۸۸
- کلمه ششم: فِيمَا اسْتَنْبَيْتَنَاهُ ۸۹
- گفتار سوم: تأثیر بی‌توجهی به لازم یا متعدی بودن کلمه منتخب در انتقال مفاهیم ۹۰
- کلمه اول: وَ تَوَكَّلْ اسْتِكْرَاهِهِ ۹۰
- کلمه دوم: وَ لَا يَسْتَمِيلُهُ إِعْرَاءٌ ۹۰
- جمع بندی فصل سوم ۹۲

فصل چهارم: لغزش‌های دو ترجمه منتخب از حیث جایگاه نحوی ۹۴

گفتار اول: خطا در شناخت نقش فاعلی از مفعولی ۹۴

کلمه اول: اِسْتَعْتَابَهُ ۹۴

کلمه دوم: كُنْ يَسْتَعْنِي ۹۵

گفتار دوم: بی توجهی به نقشهای نحوی ۹۵

کلمه اول: غَيْرَ مُسْتَكْرَهَيْنَ ۹۵

کلمه دوم: يَسْتَرْيِحُ اِلَى الْعُدْرِ ۹۶

جمع بندی فصل چهارم ۹۷

خاتمه ۹۸

پیشنهادها ۱۰۲

کتابنامه ۱۰۳

مقدمه

متونی که مورد ترجمه قرار می‌گیرند به فراخور پیچیدگی ادبی متن، اهمیت محتوا و مفهوم و فضای حاکم بر نویسنده متن که از آن تعبیر به قدمت تاریخی متن می‌کنند، دارای حساسیت خاصی می‌شوند و نیازمند به دقت بیشتر در ترجمه است. این پیچیدگی زمانی بیشتر می‌شود که مترجم بخواهد متون عربی را به فارسی ترجمه کند و آن هم متون روایی و خاصه متن عربی کتاب شریف نهج البلاغه که زبان از بیان فصاحت و بلاغت و نکات جامع آن قاصر است. برای کتاب گرانسنگ نهج البلاغه ترجمه‌های زیادی نوشته شده است؛ زیرا یکی با اغراض و اهداف ادبی بلاغی قلم زده و دیگری در حد ترجمه تحت‌اللفظی و یکی ترجمه آزاد و برخی تفسیری اما ناگفته پیداست که در ترجمه از عربی به فارسی لغزشگاه‌هایی وجود دارد که هر مترجمی را برای ترجمه بدون خطا به چالش می‌کشانند. لذا بررسی گوشه‌ای از این ترجمه‌ها ما را به سمت ترجمه‌ای دقیق‌تر رهنمون می‌کند. با وجود ترجمه‌های فراوان نهج البلاغه جای خالی تحقیق و پژوهش درباره نقد و ارزیابی ترجمه‌ها کاملاً احساس می‌شود. مخاطب با توجه به نیاز به ترجمه خاص می‌تواند به ارزیابی ترجمه‌ها بپردازد تا از میزان وفاداری ترجمه به متن اصلی، روانی ترجمه، انواع ترجمه و اشکالات علمی هر ترجمه آگاه شود و در انتخاب آن دارای پشتوانه علمی باشد. در طول این تحقیق به جهت رسیدن به اهداف و سهولت در پژوهش، مباحث را در ضمن دو بخش تنظیم نموده‌ایم. در ضمن با توجه به اصل این رساله که در مورد نامه‌های نهج البلاغه می‌باشد، برای برخی آیات که مورد استناد واقع شده است از ترجمه آیات در تفسیر المیزان علامه سید محمد حسین طباطبایی و ترجمه تفسیر نمونه آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی استفاده شده است. و در بخش تبیین کلیات مربوط به موضوع را در فصل اول قرار داده، در فصل دوم مفاهیم ضروری و مورد نیاز از حیث لغوی و اصطلاحی بیان گردیده است و نیز به شرح و توضیح انواع ترجمه و اصول ترجمه از یک سو و از سوی دیگر معانی باب استفعال مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم بررسی نقاط قوت ترجمه‌ها را در فصل اول آورده و لغزش‌های دو ترجمه منتخب در مشتقات باب استفعال از حیث لغوی را در فصل دوم و از حیث صرفی در فصل سوم به تبیین و توضیح آنها پرداخته شده است، و در فصل چهارم نیز لغزش‌های دو ترجمه منتخب از حیث جایگاه نحوی مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته است.

بخش اول:

کلیات و مفاهیم

فصل اول: کلیات

در این فصل به ارائه کلیاتی شامل تبیین مسأله، اهمیت و ضرورت، سؤالات تحقیق، فرضیه و پیشینه تحقیق پرداخته خواهد شد. پس از آن در گفتارهایی به مفهوم شناسی لغات اساسی تحقیق، بیان مشتقات باب استفعال و معانی آنها، معرفی دورنمایی از نهج البلاغه و سیری که در آن در پیش گرفته شده، روش‌های نقدی موجود در قرآن کریم و نهج البلاغه و معرفی دو ترجمه آقای آیتی و فیض الاسلام پرداخته شده است.

الف) بیان مسأله

نهج البلاغه در میان منابع اسلامی از اهمیت والایی برخوردار است تا آنجا که در میان کلام بزرگان به اخ القرآن نام گرفته است. وجود ترجمه‌های فراوان برای نهج البلاغه این سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که کدام یک از ترجمه‌ها دارای اشتباه کمتر و وفادار به متن بوده است؟ این رساله به علت گستردگی مبحث ترجمه، به نقد و بررسی ترجمه مشتقات باب استفعال در نامه‌های نهج البلاغه و به علت فراوانی تعداد ترجمه به دو ترجمه آیتی و فیض الاسلام پرداخته است.

بدین گونه که نگارنده پس از استخراج مشتقات باب استفعال (اعم از مصادر، افعال و اسامی)، هریک از مشتقات منتخب را از نظر لغت و اسلوب ترجمه (به عنوان منبع) و معانی باب استفعال در کتب صرفی و نقش ترکیبی آنها در جمله مورد نقد و بررسی قرار داده و لغزش‌های دو مترجم را نسبت به هریک از موارد فوق تبیین و نظر پیشنهادی خود را نگارش می‌کند. هم‌چنین در صورت نیاز و در برخی موارد دو ترجمه منتخب را با ترجمه شرح ابن‌ابی‌الحدید و منهاج البراعه و بهج الصباغه شیخ شوشتری به عنوان منبع، مورد مقایسه و بررسی قرار می‌دهد. به عنوان مثال امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در ادامه نامه اول، بعد از کشته شدن عثمان

می فرمایند: «بَايَعَنِي النَّاسُ غَيْرَ مُسْتَكْرَهِينَ وَلَا مُجْبَرِينَ بَلْ طَائِعِينَ مُخَيَّرِينَ»؛

در ترجمه دکتر آیتی ذکر شده است: مردم با من بیعت کردند نه از روی اکراه یا اجبار. شاهد: نه از روی اکراه و در ترجمه فیض الاسلام بیان گشته است: مردم بدون اکراه و اجبار از روی میل و اختیار با من بیعت کردند. شاهد: بدون اکراه.

اهل لغت در خصوص این ماده بیان داشته‌اند: کَرِهَ مشقتی است که انسان را در بر می‌گیرد و از خارج بر انسان تحمیل می‌گردد؛^۱ و فیومی افزوده است: كَرِهَ الْأَمْرُ وَالْمَنْطَرُ مِثْلُ قَبْحِ قَبَاحَةٍ می‌باشد هم در وزن و هم در معنا، که به معنی قبیح است آن کار.^۲ همان‌طور که صاحب‌العین نیز همین نظر را داشته است: اگرهته به معنی او را بر چیزی وادار کردم در حالی که او آن را دوست نداشت و کریهه به شدت و سختی در جنگ اطلاق می‌گردد و همچنین کراهه به سختی‌های روزگار گفته می‌شود.^۳ صاحب‌التحقیق نیز در بیانی جامع به چیستی این کلمه اشاره داشته است: کره در مقابل اراده است و اراده درخواست با اختیار و انتخاب است و این امر به سبب تحمیل شدن حدود و قیود رقم می‌خورد و هرچه این حدود کتر باشد، کراهت نیز کمتر و ضعیف‌تر خواهد شد.^۴

اهل لغت در خصوص معنی استفعالی این ماده بیان داشته‌اند؛ زن مستکره به معنی کسی است که نفسش غصب شده و بر این کار مجبور شده به طوری که بر خلاف میل باطنی او، کاری بر او تحمیل شده و این امر سبب ایجاد کراهت در او شده است.^۵ صاحب‌تاج‌العروس نیز افزوده؛ فَلَانَةٌ أُسْتُكْرِهَتْ یعنی او مجبور شد یا برخلاف میل باطنی، بر او تحمیل شد همان‌طور که در اساس ذکر شده است.^۶

۱. «الْكُرْهُ: الْمَشَقَّةُ الَّتِي تَنَالُ الْإِنْسَانَ مِنْ خَارِجٍ فِيمَا يُحْمَلُ عَلَيْهِ»، راغب اصفهانی، «مفردات الفاظ القرآن»، ص ۷۰۷، ذی‌القربی، بیروت، ۱۴۱۵.

۲. «كَرِهَ: الْأَمْرُ وَالْمَنْطَرُ (كِرَاهَةً) فَهُوَ (كَرِيهٌ) مِثْلُ قَبْحٍ قَبَاحَةً فَهُوَ قَبِيحٌ وَزُنًا وَمَعْنًا؛ فیومی، أحمد بن محمد بن علي المقرئ، «المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي»، المكتبة العلمية، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۳. «وَأَكْرَهْتُهُ: حَمَلْتُهُ عَلَى أَمْرٍ وَهُوَ كَارَةٌ وَالْكَرِيهَةُ: الشَّدَّةُ فِي الْحَرْبِ وَكَذَلِكَ الْكِرَاهَةُ [و هي] نَوَازِلُ الدَّهْرِ»؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، «العین»، ج ۳، ص ۳۷۶، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۲.

۴. «هُوَ مَا يُقَابَلُ الْإِرَادَةَ وَالْإِرَادَةُ هُوَ طَلَبٌ مَعَ الْإِخْتِيَارِ وَالْإِخْتِيَارِ وَإِنَّ الْكِرَاهَةَ إِنَّمَا تَنْحَصِلُ فِي أَثَرِ الْحُدُودِ وَالْقِيُودِ، وَكَلَّمَا قَلَّ الْحَدُّ قَلَّ وَضَعْفُ الْكِرَاهَةِ»؛ مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، ج ۹، ص ۳۵، موسسه وفا، بیروت، ۱۴۰۹.

۵. «وَأَمْرَةٌ مُسْتُكْرِهَةٌ: غَضِبَتْ نَفْسَهَا فَأَكْرَهَتْ عَلَى ذَلِكَ»؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، «العین»، ج ۳، ص ۳۷۶.

۶. «وَأُسْتُكْرِهَتْ فَلَانَةٌ: غَضِبَتْ نَفْسَهَا؛ كَمَا فِي الْأَسَاسِ»، فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، مرتضی‌زبیدی، محمد بن محمد، «تاج‌العروس من جواهر القاموس»، ج ۱۹، ص ۸۷، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

بنابراین از منظر اهل لغت این هیأت استفعالی در معنای افعال یا طلب به کار نرفته است همانطور که برخی شروح نهج البلاغه نیز در این باره به عنوان مؤید مطلب بیانی همسو داشته‌اند و ابن ابی الحدید بیان داشته «استکرهتُ الشیءَ أئی: کرهته؛ ناخوشایند داشتم آن را»^۱ و بهج الصباغه تستری افزوده است: «الاستکراه: عدم الرغبة یعنی میل نداشتن»^۲. اما شارح منهاج البراعة در این باره گفته است: «مااستکرهوا علیه أئی: ماأکرهوا علیه»^۳. بنابراین معنی دو ترجمه مخالف معانی وارده در کتب لغوی بوده و روی هم رفته این کلمه به معنی عدم میل بوده و امام این معنا را اراده نموده‌اند که مردم با اختیار و میل خود بیعت نمودند و نسبت به این امر رغبت و رضایت داشتند و به هیچ وجه معنی مصدری باب افعال در اینجا مراد نیست.

ب) اهمیت و ضرورت موضوع

ادراک و انتشار مفاهیم ناب نهج البلاغه در جامعه، وابسته به ارائه ترجمه‌های سلیس و روان و البته با حفظ نکات دستوری و ادبی است. تا به حال ترجمه‌های زیادی از نهج البلاغه به رشته تحریر درآمده اما این ترجمه‌ها خالی از اشکال نیستند. یکی از عرصه‌هایی که کم‌توجهی در آن اتفاق افتاده، عرصه مفردات است. در مفردات یکی از بخش‌های مهم آن ابواب ثلاثی مزید است و یکی از ابواب ثلاثی مزید که در ترجمه آن توفیق کافی به دست نیامده، مشتقات باب استفعال است. از این رو نقد ترجمه نامه‌های نهج البلاغه در باب استفعال نقاط ضعف و قدرت ترجمه‌های منتخب را در این باب مشخص کرده و امیدوارم راه‌کاری هرچند کوچک در تبیین و تحلیل مفردات و نقش ادبیات (لغت، صرف، نحو) در انتقال مفاهیم در ست به مخاطب و نهایتاً بهبود ترجمه نهج البلاغه محسوب شود.

۱. فخرالدین ابو حامد عبدالحمید بن ابوالحدید، «شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید»، ج ۹، ص ۳۲۵، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق.

۲. شوشتری، محمد تقی، «بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه»، ج ۳، ص ۲۱۷، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶ش.

۳. خویی، میرحسین الله، و دیگران، «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه»، ج ۱۶، ص ۲۰۰، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۰ق.

ج) سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

چه نقدهایی بر دو ترجمه آیتی و فیض الاسلام در خصوص مشتقات باب استفعال در نامه های نهج البلاغه وارد است؟

سؤالات فرعی

- در دو ترجمه منتخب چه نقاط قوتی در ترجمه باب استفعال وجود دارد؟
- لغزش های دو ترجمه منتخب از حیث کلمه مشتقات باب استفعال در نامه ها چگونه است؟
- لغزش های دو ترجمه منتخب از حیث ساختار صرفی مشتقات باب استفعال در نامه ها چگونه است؟
- لغزش های دو ترجمه منتخب از حیث جایگاه نحوی مشتقات باب استفعال در نامه ها چگونه است؟

د) فرضیه تحقیق

۱. در بین دو ترجمه منتخب نقاط قوت متعددی در خصوص معنای باب استفعال، مخصوصاً از نظر توجه به معنای طلبی باب استفعال وجود دارد.
۲. غفلت از به کارگیری معاجم لغوی و عدم تحلیل واژگان متن در کشف معنای اصلی و غفلت از معنای هیئت استفعالی، باعث لغزش در ترجمه مشتقات باب استفعال شده است.
۳. لغزش های ساختار صرفی در دو ترجمه منتخب، بی توجهی به معنای مصدر و اسم مصدر، اسم فاعل و اسم مفعول، أفعال لازم و متعدی و در فعل امر حاضر است.
۴. دو ترجمه منتخب در تبیین معنایی نقش ترکیبی قیود باب استفعال از حیث فاعلی یا مفعولی، حال یا تمییز، ظرف یا جار رو مجرور، تعیین مرجع ضمیر و نقش انواع حروف، دچار لغزش شده اند.

ه) پیشینه تحقیق

تاکنون در رابطه با ترجمه مشتقات باب استفعال در نامه‌های نهج البلاغه نسبت به دو ترجمه منتخب نقدی صورت نگرفته است و آنچه که صورت گرفته است ناظر به ارزیابی ترجمه‌ها از حیث فن ترجمه، اصول و قواعد آن می‌باشد مثل نقد و تحلیل ترجمه‌های فارسی هشتاد خطبه اول نهج البلاغه از اسماعیل رضایی کهنوئی از دانشگاه اصول دین قم یا بررسی و مقایسه ترجمه‌های نهج البلاغه از خطبه ۲۰۶ تا ۲۲۶ مریم یوسفی دانشگاه آزاد فلاورجان، بررسی و مقایسه ترجمه‌های نهج البلاغه در خطبه‌های ۲۲۷ تا ۲۴۱ و نامه‌های ۱ تا ۲۳ از فخری صدری کوپایی دانشگاه آزاد فلاورجان و... روش تحقیق این پایان‌نامه‌ها بدین شرح است: ابتدا با محدود کردن تعداد خطبه‌ها و تعداد مترجمان، برخی از عبارات خاص بعضی از خطبه‌ها که عمده‌ترین لغزشگاه‌های مترجمان در آن دیده می‌شد، انتخاب گردیده و پس از مراجعه به شروح نهج البلاغه و بررسی تطبیقی ترجمه‌ها و استفاده از کتب لغت، ترجمه‌ای برای عبارت مورد بحث پیشنهاد شده است اما پژوهش حاضر به جنبه‌های لغوی و خاصه بحث مفردات (ترجمه مشتقات باب استفعال) پرداخته است؛ زیرا اولاً، ترجمه مفردات، دقت و درنگ بیشتری می‌طلبد. ثانیاً، در بحث مفردات برای کشف معنای اصلی واژه‌گان و مراد متکلم که اولین و مهم‌ترین مرحله در ترجمه است، تحلیل وضعیت صرفی، اشتقاقی، نحوی واژه‌گان و همچنین معادل‌یابی درست، ضرورت می‌یابد. مزیت دیگر این تحقیق آن است که تاکنون از منظر مفردات، خاصه ترجمه مشتقات باب استفعال در نامه‌های نهج البلاغه، نقدی صورت نگرفته است.

ر) اهداف و فوائد تحقیق

۱. راهیابی به ارائه ترجمه‌ای دقیق و مستند به مباحث ادبی
۲. لغزش‌زدایی از دو ترجمه منتخب نسبت به مشتقات باب استفعال در نامه‌های نهج البلاغه
۳. افزایش دقت مترجمان بعدی در جهت ارائه ترجمه‌ای منطبق با متن نهج البلاغه
۴. نشان دادن نقش و تأثیر علوم ادبی (لغت، صرف، نحو) در ترجمه و انتقال مفاهیم صحیح متون حدیثی

ز) روش تحقیق

این تحقیق دارای زمینه کاربردی است؛ چراکه با استفاده از نتایج به دست آمده می‌توان وضعیت ترجمه‌های مربوط به این کتاب شریف را تدقیق، تعمیق و تصحیح نمود. لازم به ذکر است که نتایج حاصل شده به عنوان یک نظریه ارائه نمی‌گردد بلکه برآمده از نوعی مقایسه و نظم‌دهی بوده که پژوهش‌گر آنها را آشکارتر بیان کرده است. از طرفی نیز داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

فصل دوم: مفاهیم

در این فصل به مفهوم‌شناسی لغات مربوط به تحقیق طی دو رویکرد لغوی و اصطلاحی پرداخته خواهد شد و بنای نویسنده به تبیین وافی و تشریح جوانب مربوط به این لغات تا حد لزوم بوده و سعی دارد در این زمینه با بهره‌گیری از کتب معتبر لغوی به این مهم ورود پیدا کند؛

گفتار اول: ترجمه و مسائل آن

الف) تَرْجَمَه در لغت

ترجمه بر وزن «فَعَلَّه» مصدر رباعی مجرد از ماده «تَرْجَمَ يُتْرَجَمُ» به معنای برگرداندن کلام از زبانی به زبان دیگر است.^۱ ابن منظور در لسان‌العرب می‌نویسد: «تَرْجَمَانَ وَ تَرْجَمَانَ بِهْ مَعْنَى مَفْسَّرِ زَبَانٍ وَ نَاقِلِ آنَ از زبانی به زبان دیگر است».^۲ جوهری نیز در الصَّحاح ذیل ماده «رجم» می‌نویسد: «تَرْجَمَ كَلَامَهُ: يَعْنِي سَخَنَ او را به زبانی دیگر تفسیر کرد؛ تَرْجَمَانَ از این واژه است که جمعش تراجم، بسان زَعْفَرَانَ وَ زَعَاْفِرِ است؛ این

۱. «الْفَعْلَةُ: تَرْجَمَ: التَّرْجُمَةُ هِيَ تَرْجُمَةُ الْكَلَامِ»؛ حمیری، نشوان بن سعید، «شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولوم»، ج ۲، ص ۷۴۶، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق. ر.ک: میرجلیلی، علی محمد، «تأثیر قرآن بر لغت و زبان عربی»، ص ۳، فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم، دانشگاه یزد، ۱۳۹۰. ر.ک: باقری، مهری، «مقدمات زبان شناسی»، ص ۳، قطره، تهران، ۱۳۸۰.

۲. «الترجمان، بالضم و الفتح: هو الذي يُتْرَجَمُ الْكَلَامَ أَي يَنْقُلُهُ مِنْ لُغَةٍ إِلَى لُغَةٍ أُخْرَى»، ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، ج ۴، ص ۲۱۸، انتشارات ادب و حوزه، قم، ۱۴۰۵ ه. ق.

واژه تَرْجُمان و تَرْجُمان نیز گفته می شود.^۱

زبیدی در شرح واژه «ترجمان» نظر جالب توجهی بیان می کند و می نویسد: «...هل هو عربیٌّ أو مُعَرَّبٌ دَرْعَمَانٌ فَتَصَرَّفُوا فِيهِ خِلَافٌ». ترجمه: «...در اینکه آیا این کلمه عربی است یا معرَّب «دَرْعَمَان» و در آن دخل و تصرف کرده اند، بین لغت شناسان اختلاف است»^۲. دهخدا نیز در لغت نامه چنین آورده است: «تَرْجُمان و تَرْجُمان، تَرْجَمان: شخصی را گویند که لغتی را به زبان دیگر تقریر کند. این لفظ عربی و اصل آن در فارسی «تَوْزَبان» بوده، آن را معرَّب کرده اند، «تَوْزَقان» گفته اند.^۳

وقتی که نظرات و اقوال دیده می شود چنین ادراک می شود که واژه «ترجمان» به معنای «مترجم» از زبان فارسی وارد عربی شده؛ زیرا وزن «فعللان» به معنای اسم فاعل در عربی شایع نیست حتی سیبویه نیز در بحث اسم فاعل به آن نپرداخته است. بر این اساس فعل «تَرْجَمَ يَتَرْجِمُ تَرْجَمَةً» بعدها از آن مشتق شده است. این شیوه از واژه سازی در عربی بسیار متداول و معمول است.^۴

ب) تَرْجَمَه در اصطلاح دانش ترجمه

ترجمه در اصطلاح به معنای تغییر شکل دادن یک عبارت از حالت اصلی آن به حالتی است که مربوط به زبان گویشی شما یا دیگر زبانان می باشد.^۵ ترجمه عبارت است از یک پروسه ارتباطی یعنی انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد با حفظ معنا و مفهوم آن.^۶

بنابراین، فرآیند ترجمه را می توان شامل مطالعه لغوی، دستور زبانی، موقعیت کلمه، جنبه فرهنگی زبان و متن اصلی (مبدأ) دانست که تکمیل آن به منظور برگزیدن بهترین تفسیر و معنا برای متن که مناسب ساختار

۱. «قد تَرْجَمَ كَلَامَهُ، إِذَا فَسَّرَهُ بِلِسَانٍ آخَرَ. وَ مِنْهُ التَّرْجَمَانُ، وَ الْجَمْعُ التَّرْجِمَانُ، مِثْلُ زَعْفَرَانٍ وَ زَعَاْفِرٍ، وَ صَخَصَحَانٍ، وَ صَخَاصِيحٍ. وَ يُقَالُ تَرْجَمَانٌ. وَ لَكَ أَنْ تَضُمَّ التَّاءَ لَضَمَّةِ الْجِيمِ فَتَقُولُ تَرْجَمَانٌ، مِثْلُ يَسْرُوعٍ وَ يُسْرُوعٍ؛ جَوْهَرِيٌّ، إِسْمَاعِيلُ بْنُ حَمَادٍ، «الصَّحاح - تاج اللُّغَةِ وَ صَحاحِ الْعَرَبِيَّةِ»، ج ۵، ص ۱۹۲۸، دارالمعرفة، بيروت، ۱۴۱۶ق.

۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، «تاج العروس من جواهر القاموس»، ج ۱۶، ص ۲۷۲.

۳. دهخدا، علی اکبر، «لغتنامه دهخدا»، ج ۲، ص ۲۱۷، نی، تهران، ۱۳۸۰.

۴. ر.ک: جواهری، سیدمحمد حسن، «روش شناسی ترجمه قرآن کریم»، ص ۱۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.

۵. ر.ک: «تَرْجَمَ: فَسَّرَهُ بِلِسَانٍ آخَرَ وَ الْكِتَابَ فَسَّرَهُ بِلُغَةٍ أُخْرَى وَ ذَكَرَ سَبِيْرَةَ شَخْصِي وَ اخْلَاقَهُ وَ نَسَبَهُ»، شرتونی، سعید، «اقرَب الموارِد»، ج ۱، ص ۱۱۹، مکتبة آية الله العظمى مرعشى النجفی (ر.ة)، قم، ۱۴۰۳ ق. ر.ک: ابومحجوب، احمد، «ساخت زبان فارسی»، ص ۱۱، انتشارات میترا، تهران، ۱۳۸۱.

۶. ر.ک: «قد تَرْجَمَ كَلَامَهُ، إِذَا فَسَّرَهُ بِلِسَانٍ آخَرَ...»، «الصَّحاح - تاج اللُّغَةِ وَ صَحاحِ الْعَرَبِيَّةِ»، ج ۴، ص ۱۹۲۸.

لغوی و دستور زبانی با زبان هدف (مقصد) باشد، صورت می‌گیرد در یک جمع‌بندی کلی می‌توان معانی اصطلاحی ترجمه را منحصر به سه بخش دانست؛

۱. برگرداندن کلمات و عبارات یک زبان به زبان دیگر. مقصود این رساله همین نوع از ترجمه است.

۲. تفسیر کلام. بر این اساس، ترجمه آزاد قابل توجیه خواهد بود.

۳. شرح حال و سیرت اشخاص. «تَرْجَمَةُ الْمُؤَلَّفِ: شرح حال مؤلف» در آغاز کتاب‌های عربی بدین

معناست.^۱

ج) انواع ترجمه

صاحب‌نظران در تقسیم انواع ترجمه، اسامی گوناگونی بر آن اطلاق کرده‌اند که مشهورترین آنها عبارت‌اند از:

۱- ترجمه واژه به واژه یا تحت‌اللفظی

این نوع از ترجمه، سعی دارد معنای کاملاً هم‌سو و ناظر به حداکثر یا تمامی اجزاء کلمه را ارائه دهد و این قبیل ترجمه‌ها اغلب از نظر ساختار دستوری برگردانی از زبان مبدأ هستند و به عنوان مثال ترجمه «المقامة المغربية» از مقامات حریری نمونه‌ای از این قبیل ترجمه‌هاست؛ حاضر شدم به نماز شام در بعضی از مسجدهای مغرب، چو بگزاردم آن را با فضل آن و جفت کردم آن را با فضائل آن، بدید چشم من جماعتی را که با هم انجمن کرده بودند به یک سو و جدا شده بودند گزیدگانی یکتا و ایشان فرا می‌ستدند از هم قدح محادثت و می‌زدند آتش زنه پژوهیدن با هم...^۲

اما به این نوع از ترجمه اشکالاتی وارد است؛ چراکه این نوع ترجمه، اغلب به دلیل بلیغ نبودن، نسبت به سایر انواع ترجمه پذیرش و وجاهت کمتری دارد شاید علت آن این باشد که مفردات ترجمه با مفردات اصل (زبان مبدأ) برابر است.^۳ در این نوع از ترجمه، مترجم بیشتر در معرض تأثیرپذیری از ساختار دستوری زبان

۱. ر.ک: صفارزاده، طاهره، «اصول و مبانی ترجمه»، ص ۱۹، همراه، تهران، ۱۳۶۹.

۲. «حَكَى الْحَارِثُ بِنَ هَمَّامٍ: شَهِدْتُ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ فَلَمَّا أَدَيْتُهَا بِفَضْلِهَا وَ شَفَعْتُهَا بِنَفْلِهَا، أَخَذَ طَرْفِي رُقْعَةً قَدْ ائْتَبَدُوا نَاجِيَةً وَ ائْتَاؤُوا صَفْوَةً صَافِيَةً. هُمْ يَتَعَاطُونَ كَأْسَ الْمُنَافِقَةِ وَ يَقْتَلِحُونَ زِنَادَ الْمُبَاحِثَةِ...»، رواقی، علی، «ترجمه مقامات الحریری»، ص ۱۱۳، مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی، ۱۳۶۵ ش. صفوی، کورش، «هفت گفتار درباره ترجمه»، ص ۳، کتاب ماد، تهران، ۱۳۸۳.

۳. سلماسی زاده، جواد، «تاریخ ترجمه قرآن در جهان»، ص ۱۱، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹ ش.

مبدأ است. شاید این جمله مشهور را (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را) کمتر کسی نشنیده است. این ترجمه در فارسی شیوع ندارد؛ زیرا در فارسی مفعول بی واسطه در انتهای جمله قرار نمی گیرد. بنابراین ترجمه صحیح چنین است: «مرا بخوانید (بطلبید، بجوید) تا به دعایتان (درخواستتان) پاسخ دهم (یا) تا دعایتان را اجابت کنم».^۱

همان طور که مشاهده شد مترجم نباید تنها به فکر ترجمه لغات با شد و به ترجمه کلمات بسنده کند بلکه باید معنا و مفهوم مورد نظر گوینده را با الفاظی مأنوس به مخاطب انتقال دهد. در حقیقت وظیفه مترجم آن است که عبارت‌ها را معنادار کند.^۲

البته ترجمه تحت‌اللفظی با وجود عیب‌هایی که دارد به شرط آن که ساختار صرفی و نحوی زبان اصلی فهمیده و به زبان مقصد منتقل شود، در موارد زیر توصیه می‌شود؛

۱. اهداف آموزشی از جمله تدریس عربی، فارسی و غیره برای مبتدیان. در راستای این هدف، ترجمه تحت‌اللفظی از دیگر انواع ترجمه سودمندتر است.^۲ ترجمه متون دینی مانند قرآن و احادیث معصومین را که مراعات امانت در آنها اهمیت به‌سزایی دارد.^۳ ترجمه نامه‌های اداری و متون خبری.^۳

۲- ترجمه دقیق و روان

ترجمه دقیق و روان، ترجمه‌ای بوده که در عین دقت برخلاف ترجمه تحت‌اللفظی به روان بودن نیز توجه می‌کند تا کلام از ثقل و گره‌های لفظی تهی باشد همانند ترجمه نمودن «یاایهاالذین آمنوا» به اهل ایمان که در عین افاده دقت از روانی کلامی نیز برخوردار است؛ از همین روی بوده که این سبک شایع‌ترین نوع ترجمه است که در ترجمان متون مختلف ادبی، دینی و علمی کاربرد زیادی دارد؛ در این نوع ترجمه، مترجم علاوه بر حفظ امانت باید انسجام کلام را نیز حفظ کند و از هم‌گسیختگی نداشته باشد و طوری باشد که خواننده به کلی فراموش کند که ترجمه کتابی را می‌خواند بلکه احساس کند اثر فصیحی را به زبان اصلی

۱. حریری، قاسم بن علی، «مقامات الحریری: المسمی بالمقامات الادبیه»، ص ۱۲۹، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون،

بیروت، ۱۳۹۸ ق.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. درخشان، مهدی، «درباره زبان فارسی»، ص ۱۲۰، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.

می خواند. همچنین این نکته حائز اهمیت است که «هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند دقیق باشد و عیناً محتوای زبان مبدأ را منعکس نماید. مطابقت ترجمه با اصل همواره تقریبی است؛ هر اندازه این تقریب بیشتر باشد ترجمه به متن نزدیک‌تر خواهد بود»^۱.

۳- ترجمه ادبی

زمانی که ترجمه همراه با رعایت اسلوب‌های ادبی ارائه گردد همانند سبک آهنگین در کلام و بهره گرفتن از الفاظ با طراوت و غنی، بدان ترجمه ادبی اطلاق می‌گردد همانند این ترجمه «برادر که در بند خویش است، نه برادر، نه خویش است» که در ترجمه عبارت عربی ذیل گفته شده است؛ «أَنَّ أَخَا لَا يَعْمَلُ إِلَّا لِمُصَالِحَةٍ فَهُوَ لَا يُعْتَبَرُ أَخًا وَلَا قَرِيبًا». از همین روی بوده که این سبک از ترجمه با طراوت‌ترین نوع ترجمه، ترجمه ادبی است؛ زیرا مترجم مناسب‌ترین و خوش‌آهنگ‌ترین واژگان را بر مبنای استعداد و شور و حال ادبی خود برمی‌گزیند. در ترجمه ادبی، استفاده از انواع آرایش‌های لفظی و معنوی به خوبی مشهود است.

یکی از انواع پیرایه‌های لفظی، بهره‌جستن از جناس به منظور مسجع کردن ترجمه است. بدون تردید این سبک به مراتب سخت‌تر از سایر سبک‌های انواع ترجمه است؛ زیرا به کار بردن سجع در زبان مقصد تنها کسانی استطاعت آن را دارند که حافظه‌ای بسیار قوی و قریحه و ذوقی زایدالوصف دارند. با این توصیف در این میان یک سؤال اذهان را به خود مشغول می‌کند و آن این است که آیا ترجمه ادبی امکان‌پذیر است؟^۲ به عنوان مثال: (۱) وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲) مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳) وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى (۴) وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵).^۳

اگر به آیات فوق بنگریم فیضان سجع و موسیقی «الف» را در «الضُّحَى * سَجَى * قَلَى * الْأُولَى * تَرْضَى» و بقیه آیات می‌بینیم اما در ترجمه فارسی لطافت و شیوایی آهنگ این الفاظ دیده نمی‌شود. البته این به معنای عدم توانایی مترجم نیست. استاد جلال‌الدین همایی می‌گوید: «معنا و مطلب قابل ترجمه است اما فصاحت و

۱. سلماسی زاده، جواد، «تاریخ ترجمه قرآن در جهان»، ص ۱۶.

۲. ر.ک: باطنی، محمدرضا، «پیرامون زبان و زبان شناسی»، ص ۶۴، نشر آگه، تهران، ۱۳۹۴ ش.

۳. قسم به روز روشن یا هنگام ظهر آن (۱) و قسم به شب به هنگام آرامش آن (۲) که خدای تو هیچگاه تو را ترک نگفته و بر تو خشم ننموده است (۳) و البته عالم آخرت برای تو بسی بهتر از نشئه دنیا است (۴) و پروردگار تو به زودی به تو چنان مقام شفاعت عطا کند که تو راضی شوی (۵). ضحی/۹۳، آیه ۵ تا ۱۰.